

محمد هاشم میرزا - اینطور نیست  
بیانک استقراضی مقروض نیست  
رئیس - بگذارید ایشان صحبتشان را  
تمام کنند بعد شما جواب بدهید  
سلیمان میرزا - اگر آقایان نمایندگان  
خراسان می خواهند بگویند که آستانه رضوی  
مقروض نیست اینطور نیست و اگر بیانک  
استقراضی مقروض نیست شاید بیانک شاهنشاهی  
مقروض است باز هم فریاد می زنم هیچ متولی  
حق ندارد بعنوان واسم ائمه قرض کند  
حضرت رضا (ع) هیچوقت حاضر نیست ربح بدهد  
هیچوقت قرض ربوی را قبول نمی کند من  
و هیچیک از مسلمانها نمی توانیم به بینیم  
که بنام ائمه قرض یا فرع می کنند ما نمی  
توانیم ابق افتضاح را بگردن بگیریم که  
خدای ناکرده امام (ع) بر خلاف احکام  
جد بزرگوارش و صریح قرآن مجید  
عمل کرده باشد. اگر شخص مرتکب را  
بدست من بدهند او را اعدام خواهم کرد زیرا  
بنام آن وجود مقدس باصراحه بر خلاف  
شرع انور عمل کرده است اعتراض میکنید  
که حضرت بیانک استقراضی قرض ندارد چه  
فرق می کند که سندش هزار تومان بعنوان  
حاج محمد حسن یا محمد حسین یا بانک  
استقراضی باشد در هر حال من اصل قضیه را  
کاردارم من می گویم بنام امام مطلقا هیچ  
متولی نمی تواند قرض بگند خواه متولی  
حضرت رضا باشد خواه متولی کر بلا یا نجف  
اشرف یا معصومه قم علیها وعلیهم السلام  
باشد خاصه با فرع و بقیه بنده شخص مرتکب  
شدیداباید مجازات شود مستحق اعدام است  
و چون حضرت والا شاهزاده محمد هاشم  
میرزا فرمودند حضرت قرض ندارد برای  
این که سوءتفاهمی نشود بیک روز بنده جزء  
امور متفرقه تقاضا خواهم کرد که این  
مسئله جزء دستور شود و تکلیف آن معین  
شود. نادگیری در مملکت اسلام بنام ائمه و  
بعنوان اماکن مقدسه کسی معامله ربوی  
نکنند و هر کسی مبادرت باین عمل زشت  
می نماید باید مجازات شود و اما در مسئله قرض  
آقای قمی گویند مقصودشان این بود که حضرت  
قرضی ندارد. بنده در اعمال متولیا عرضی  
داشتم و عرض می کنم متولی باشی با بر خلاف  
وظایف مذهبی و حدود قانون خودشان رفتار  
می کنند  
(مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)  
**مؤتمن الملک**  
جلسه ۱۴۱  
صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه  
یوم میزان ۱۳۰۱ مطابق چهارم صفر اخیر  
سنه ۱۳۴۱  
مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر  
بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید  
صورت مجلس یوم یکشنبه اول میزان  
را آقای امیر ناصر قرائت نمودند  
رئیس - آقای محمد هاشم میرزا  
(اجازه)

محمد هاشم میرزا - در موقعی که  
آقای حائری زاده فرمایشات خود را تمام  
کردند بنده که بعد از ایشان بدم عرض  
کردم با آن قسمتهائی که راجع بقانون  
اساسی می فرمائید بنده معارضه ندارم و  
آنها را از هر کس می خواهید سؤال کنید  
و راجع بیودجه وزارت فواید عامه هم ریاضی  
کردم. در قسمت نطق شاهزاده سلیمان  
میرزا هم عرض کردم آستانه مقدسه بیانک  
استقراضی قرضی ندارد و تکذیب کردم اینها  
در صورت مجلس نوشته نشده است  
رئیس - می خواهید تمام مطالب  
نوشته شود ؟  
محمد هاشم میرزا - خیر ولی اینمطلب  
مهم است و باید ذکر شود.  
رئیس - هر کس يك مطلبی بنظرش  
مهم می آید و می خواهد نوشته شود. آقای  
حائری زاده.  
(اجازه)  
حائری زاده - در موضوع دستگاه  
چراغ برق تنها بنده عقیده نداشتم که در  
تحت نظر اداره اوقاف باشد بلکه معتقد  
بودم که مخارج موقوفات و چراغ و سایر  
چیزها همه در تحت نظر وزارت معارف و  
اوقاف باشد والا اگر بنا باشد چراغ برق  
را حمل کنند و آن وقت معلوم نباشد که  
مخارجش از کدام محل پرداخته شود اینطور  
موافق نبودم و معتقد بودم که مخارج  
موقوفات تمام در تحت نظارت وزارت معارف  
و اوقاف باشد.  
رئیس - آقای آقا سید فاضل  
(اجازه)  
آقا سید فاضل - بنده خواستم دو  
کلمه باختصار اشاره شود که فلسفه اینکه  
عرض کردم مدرسه رنگربزی جزو وزارت  
معارف شود چیست ؟ چون در جرائد که  
درست نمی نویسند اینجا هم ذکر نشده  
فلسفه اش این است که چون وزارت معارف  
را وزارت علم و عمل می دانم و مدرسه صنایع  
مستظرفه و مدرسه ایران و آلمان هم جزو  
وزارت معارف است لذا معتقد بودم که  
این مدرسه هم جزو وزارت معارف شود  
رئیس - اگر بخواهند فلسفه بنویسند  
قدری طولانی می شود. آقای حاج میرزا  
عبدالوهاب.  
(اجازه)  
حاج میرزا عبدالوهاب - بنده فقط  
در خصوص چراغ عرض نکردم وزارت معارف  
باید نظارت داشته باشد در خصوص کلیه  
این موقوفات چه عمده و چه غیر عمده  
معتقد بودم که وزارت معارف نظارت و  
رسیدگی کند و اختصاص چراغ تنها داشت  
در تمام موقوفات مثل مدرسه سپهسالار و  
سایر اماکن مقدسه باید رسیدگی کند که  
حیف و میل نشود.  
رئیس - يك ایراد هم خود بنده

دارم و آن این است که آقای حائری زاده  
می خواستند در کلیه امور مملکتی اظهاراتی  
بکنند بنده گفتم خارج از موضوع است این  
مطلب را اینجا ننوشته اند باید اضافه شود  
دیگر ایرادی نیست (گفته شد - خیر)  
صورت مجلس باین چهار فقره اصلاح تصویب  
شد لایحه ممیزی مطرح است  
اقبال السلطان - کمیسیون قوانین مالیه  
ماده نهم لایحه ممیزی را تغییر داده و ماده  
را که قائم مقام آن ماده قرار داده تقدیم  
نموده است مقرر فرمائید قرائت شود تا در  
اطراف آن مذاکره شود.  
رئیس - ماده نهم را که کمیسیون  
قوانین مالیه تغییر داده بقراریست که  
قرائت می شود.  
(آقای منتصر الملک بشرح  
آنی قرائت نمودند)  
ماده نهم - حد معافیت از مالیات میش  
و بز ماده برای يك خانواده پنج رأس و در  
گاو شبرده يك رأس و از مازاد آن مالیات  
مقرر در فقره دوم از ماده اول دریافت  
می شود.  
رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب  
(اجازه)  
حاج میرزا عبدالوهاب - بنده در ضمن  
شوردر ماده اول هم عرض کردم این  
رعایائی که مالیات گاو و گوسفند بآنها  
تعلق می گیرد يك حق المرتمی هم بارباب  
م دهند حالا يك مالیات هم اینجا بدهند  
بنده نمی فهمم یعنی چه ؟ این يك تحمیل  
فوق العاده است که به آنها می شود این  
است که بنده عقیده دارم این ماده حذف شود  
یکنفر از نمایندگان - پس ببقیه  
شما باید تمام مالیاتها حذف شود  
رئیس - آقای گروسی مخالف  
هستید ؟  
حاج شیخ محمد حسن گروسی - بلی  
رئیس - آقای رفعت الدوله  
(اجازه)  
رفعت الدوله - مطلبی را که آقای حاج  
میرزا عبدالوهاب فرمودند نتوانستم درست  
بفهمم آیا مقصودشان این است که این  
مالیات اصلاح حذف شود و از گاو و گوسفند  
مالیات گرفته نشود ؟  
حاج میرزا عبدالوهاب - خیر از  
رعیت نباید گرفته شود.  
رفعت الدوله - آخر هر جا که گاو و  
گوسفند هست اکثرش بر رعیت تعلق دارد  
و در هر دهی اقلا دو یا سه پاره گله گوسفند  
است و یا صد رأس پنجاه رأس گاو است  
اگر بنا باشد آنها مالیات ندهند پس دولت  
از کی مالیات بگیرد ؟  
این که کمیسیون قوانین مالیه معین کرده  
پنج بز شبرده و يك گاو از مالیات معاف  
باشند ، گمان می کنم همین اندازه برای  
اعاذه يك خانواده کفایت می کند و اینکه

می فرمایند حق المرتع هم می دهند و اگر  
دولت مالیات می گیرد پس مالک چرا  
حق المرتع می گیرد ؟ عرص می کنم  
حق المرتع مربوط مالیات نیست و این  
فرمایش که ایشان میفرمایند چیزی نیست  
که پذیرفته شود و البته خودشان هم اگر  
قدری دقت بفرمایند تصدیق خواهند فرمود  
رئیس - آقای گروسی .  
(اجازه)  
حاج شیخ محمد حسن گروسی -  
در ماده اول که مذاکره میشد بعضی آقایان  
رسانند که این دهاتی که رعیت نشین است  
اغلب عایدی و محصولشان از غلات و باغات  
است و خانواده هائی که در آنجا سکنتی  
دارند ، هر کدام چند رأس ماده گاو و یا  
گوسفند نگهداری می کنند برای امرار  
معیشتشان حتی اغلب مبلغی هم موجب  
نوگر و مزدور می دهند که بروند در صحرا  
ها آنها را بچرانند و علاوه جمع کنند  
که در زمستان بآنها بدهند نه این که عایدی  
برای آنها تحصیل کنند بلکه برای زندگانی  
و امرار معیشت است اغلب نقاط ایران  
یعنی جاهائی که رعیت نشین است همینطور  
است باز عرض می کنم نه برای عایدی بلکه  
برای امرار معاش است و مقصودشان مثل  
ایلات که سالی دوازده ماه اغنام و احشام  
خود را در صحرا ها می چرانند گله داری  
نیست بلی ایلات چون عایدی شان از همان  
اغنام و احشام است وضع این مالیات نسبت  
بآنها بجا و مورد است لیکن نسبت بقراء  
و قصبات که تمام عایدی شان از محصول  
زراعت و باغات است و چندان اهمیتی به  
نگاه داشتن گاو و گوسفند نمی دهند مگر  
برای زندگانی و امرار معیشتشان و عایدی  
از آنها نمی بند بلکه در سال مبلغی هم  
خرج مزدور و نوگر و غیره می دهند هیچ  
مورد ندارد این است که در ماده اول عرض  
کردم بالمره آنها نباید مالیات بدهند حالا  
که بنا شد از آنها هم مالیات بگیرند لااقل  
يك عده معتابیهی ، برای آنها مستثنی  
کنند که امرشان بگذرد و از مازاد گرفته  
شود و اقلا مضاعف کند پنج رأس گوسفند  
را ده رأس و ماده گاو را دو رأس قرار  
بدهند ، چون يك رأس ماده گاو برای  
خانوار بیکه نوگر دارد . زن دارد مهمان  
داری دارد ، چند نفر کارگر دارد ،  
خیلی کم است و انصاف نیست  
و باید يك مساعدتی در حق آنها بشود این  
است که بنده با جمعی از آقایان دیگر  
پیشنهادی کرده ام که مضاعف شود و از  
مازاد آن مالیات دریافت شود که تقدیم  
می کنم .  
(پیشنهاد خود را تقدیم بآقای رئیس  
نمودند)  
اقبال السلطان - اعتراض آقای حاج  
میرزا عبدالوهاب این بود که چون رعایا  
حق المرتع می دهند دیگر مالیات بدولت

ندهند البته تصدیق می فرمائید که حق - المرتع هم مثل سایر مضارعی است که دارندگان میش و بز متحمل می شوند از قبیل حق چوپان و گله دار و مواظبین رومه و غیر اینهم یک خرجی است و عنوان مالیات ندارد و نباید گفت که چون حق المرتع می دهند مالیات ندهند حق المرتع چه ربطی به مالیات دارد خیلی محل تعجب است حق المرتع هم مثل سایر مضارعی است و باید صاحبان گوسفند و گاو متحمل بشوند کمیسیون قوانین مالیه مناقصه را که از میش و بز باید شود یعنی منفعت دهنانی که بهر سنی بهند بهمان سن هم می گیرند و یک هایدی بآنها داده می شود آنرا مأخذ گرفته اند و از آن رو برای آن مالیاتی وضع کرده اند.

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - باحد نصایی که برای گاو و گوسفند تعیین کرده اند من موافق ولی راجع به جنس عقیده دارم باید حدنصایی که سه خروار باشد تعیین شود و ضمیمه باین ماده بشود.

رئیس - آقای راجع باین ماده نیست حائری زاده در همین ماده که برای گاو و گوسفند حدنصاب معین کرده اند باید برای جنس هم حدنصایی معین کنند چون در جای دیگر نوشته نشده است.

رئیس - اگر در ماده دیگر هم معین نکرده است در دفع مذاکره در کلیات باید فرمائید و بطور ماده الحاقیه پیشنهاد نمایند. حائری زاده - خیلی خوب در کلیات عرض می کنم.

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا مخالفید؟ محمد هاشم میرزا - بلی یک توضیحی می خواهم پس از آن شاید رفع مغالتم بشود رئیس - فرمائید.

محمد هاشم میرزا - بنظر بنده ماده متناقص است و این لفظ خانواده که نوشته اند غلط است.

چون خانواده غیر از خانواده است و اصطلاح میزبانی خانوار است خانواده چیزی است که تازه در تهران پیدا شده و اسم فامیلی است و با خانواده خیلی فرق دارد زیرا ممکن است بیست و پنج خانوار یک خانواده باشد خوب است بهمان اصطلاح معمولی خانوار بنویسند مطلب دوم این که این حدی را که معین کرده اند مالیات ندهند بطور جمع است باهلی السبیل التردید است آیا مقصود این است که هلی السبیل التردید بگویند هر کس پنج گوسفند یا یک گاو دارد معاف است یعنی اگر کسی ده گوسفند داشته و گاو نداشته باید مالیات ده گوسفند را بدهد و یک کسی که گوسفند نداشته و ۲ گاو داشته باید مالیات یک گاو را بدهد

یا این که گوسفند و یک گاو بطور جمع معاف است و گوسفند یا یک گاو مساوی است یا این که باید حتماً گوسفند و یک گاو داشته باشد تا معاف باشد والا معاف نیست خوب است توضیح بدهند که مقصودشان چیست

اقبال السلطان - بنده گمان می کنم در ماده ای که از طرف کمیسیون پیشنهاد شده خانوار نوشته شده باشد و اگر خانواده نوشته شده باشد اشتباه شده است اصلاح می شود اما این که راجع به ماده گوسفند فرمودند بطور جمع است یا علی التردید این ماده خیلی واضح و آشکار است فرض فرمائید شخصی ۱۰ رأس بزو میش دارد و یک ماده گاو از میش و یک گاو آن مالیات نمی گیرند و از ۵ میش دیگر مالیات می گیرند تصور نمی کنم اشکالی داشته باشد

رئیس مذاکرات کافی است جمعی گفتند کافی است رئیس پیشنهادات قرائت میشود (آقای منتصر الملک)

شرح آتی قرائت نمودند پیشنهاد میکنم ماده هم بترتیب ذیل نوشته شود حدنصاب در میش و بز شمرده نسبت بهر شخص (خانواده) و در گاو و میش ماده یک رأس است الخ (مدرس)

مقام محترم ریاست جلیله مجلس شورای ملی بنده پیشنهاد می کنم گوسفند و گاو بلوچستان که بواسطه نبودن علوفه و شهرت گرمی هوا صرفه برای صاحبش ندارد از این قانون منتهی باشد (سید حسن بلوچ)

مقام محترم پیشنهاد می نمایم گوسفند ۱۰ رأس ماده گاو شمرده دو رأس معاف و منتهی باشد حاج شیخ محمد حسن - یعقوب الموسوی صدر الاسلام - حاج میرزا مرتضی - منتصر الملک - اسدالله کردستانی - عبدالوهاب رضوی - عبدالله متمد السلطنه - سید حسن بلوچ

پیشنهاد میکنم حد معافیت برای هر خانوار یا ۱۰ بزو میش یا دو گاو و یک گاو گوسفند (محمد هاشم میرزا)

مقام محترم ریاست دام اقباله بنده پیشنهاد می کنم بز ماده تا ۱۰ عدد معاف بشود و گاو ماده تا ۵ عدد معاف شود (دست فب)

بنده پیشنهاد می کنم در ماده هم توضیحاً نوشته شود: مفاد این ماده شامل حال سکنه قراه و قصبات است و هرگز شامل حال ایالات چادر نشین که سیر بیلاقی و قشلاقی آنها مغرب املاک

و مراتع اهالی قراه و قصبات است نخواهد شد «امیر ناصر» پیشنهاد می کنم که از گوسفند بیلاقی رو و قشلاقی رو بدون استثناء مالیات اخذ کند و در در دهات که متفرقه گوسفند نگاه میدارند بیکلی معاف باشد (ابراهیم قمر)

حائری زاده پیشنهاد می نمایم ماده هم بشکل ذیل نوشته شود هر خانوار از پزیداخت مالیات سه خروار جنس و ۵ گوسفند و یک رأس گاو شمرده

معاف خواهد بود و مالیات مقرر بر مازاد تعیین خواهد گرفت مقام منبع ریاست جلیله - اقل عباد پیشنهاد می نمایم ماده میش و بز ماده از مالیات معاف و گاو شمرده دو رأس معاف زائد از ماده مرقومه مالیات تعلق بگیرد و حد نصاب در تادیبه مالیات علاوه از ماده مرقومه باشد

مقام محترم ریاست جلیله مجلس شورای ملی بنده پیشنهاد می کنم گوسفند و گاو بلوچستان که بواسطه نبودن علوفه و شهرت گرمی هوا صرفه برای صاحبش ندارد از این قانون منتهی باشد

مقام محترم ریاست جلیله مجلس شورای ملی بنده پیشنهاد می کنم گوسفند و گاو بلوچستان که بواسطه نبودن علوفه و شهرت گرمی هوا صرفه برای صاحبش ندارد از این قانون منتهی باشد

مقام محترم ریاست جلیله مجلس شورای ملی بنده پیشنهاد می کنم گوسفند و گاو بلوچستان که بواسطه نبودن علوفه و شهرت گرمی هوا صرفه برای صاحبش ندارد از این قانون منتهی باشد

مقام محترم ریاست جلیله مجلس شورای ملی بنده پیشنهاد می کنم گوسفند و گاو بلوچستان که بواسطه نبودن علوفه و شهرت گرمی هوا صرفه برای صاحبش ندارد از این قانون منتهی باشد

مقام محترم ریاست جلیله مجلس شورای ملی بنده پیشنهاد می کنم گوسفند و گاو بلوچستان که بواسطه نبودن علوفه و شهرت گرمی هوا صرفه برای صاحبش ندارد از این قانون منتهی باشد

مقام محترم ریاست جلیله مجلس شورای ملی بنده پیشنهاد می کنم گوسفند و گاو بلوچستان که بواسطه نبودن علوفه و شهرت گرمی هوا صرفه برای صاحبش ندارد از این قانون منتهی باشد

مالیات آنها کم است اقدام می کنند و کمتر توجه دهانی می شوند که مالیات آن ها سنگین است و مالیات زیادتر می دهند و باید تخفیفی بآنها داده شود

مقصود کمیسیون قوانین مالیه این بود که ترتیبی داده شود اگر مالکین بخواهند تقاضا کنند که میزبانی املاک آنها را مقدم بدارند این حق را داشته باشند چون اشخاصی که مالیات دهانشان سنگین است وقتی که میزبانی رفتند اطراف آنها را می گیرند که دهات آن را زودتر میزبانی کنند و میزبانی بدین معنی دانند ابتدا اقدام بکرا میزبانی کنند و یک مرتبه هم نمی تواند چند ده ران میزبانی کند و باید مقدم و مؤخر بدارد و البته آن دهاتی که مالیات آن ها کم است اول میزبانی می کنند لذا اینجا برای این که مالک بتواند درخواست کند که میزبانی دهکده اش را مقدم بدارند کمیسیون قرار گذاشت خرج میزبانی را خودش متکفل بشود یعنی خرج میزبانی را از آن مالکی که تقاضای می کند بگیرند و برای سهولت امر بیکدسته دیگر را میزبانی انتخاب کنند باین طریق که یک نفر در دفتر از میان خودشان انتخاب کنند و یکی در دفتر دیگر هم از اجزاء مالیه ضمیمه کنند و بفرستند آن دهکده را که مالک تقاضا کرده میزبانی میکنند و دولت فقط آن هفتی را که خودش می فرستد می دهد دیگر حتی برای آن قسمت که میزبانی انتخاب می کنند و بدهات می فرستند قرار نداده است از این جهت است که کمیسیون قوانین مالیه تصویب تأخر میزبانی خصوصی بعمل خواهد آمد و هر گاه این میزبانی بتقاضای مالک باشد باید خرج میزبانی را تادیبه نماید اگر مأمورین مالیه بعد از تقاضای مالک اقدام بمیزبانی نمایند مالک پس از تاریخ تقاضا نسبت بمقدار کسر محصول حق تخفیف خواهد داشت

رئیس - آقای منتصر الملک بضمون ذیل قرائت نمودند

دولت مکلف است در ظرف پنج سال تمام مملکت را میزبانی نماید و در ضمن پنج سال هر وقت میزبانی ملکی را لازم دانند یا مالک تقاضا نماید بدون رعایت ترتیب مقدم و تأخر میزبانی خصوصی بعمل خواهد آمد و هر گاه این میزبانی بتقاضای مالک باشد باید خرج میزبانی را تادیبه نماید اگر مأمورین مالیه بعد از تقاضای مالک اقدام بمیزبانی نمایند مالک پس از تاریخ تقاضا نسبت بمقدار کسر محصول حق تخفیف خواهد داشت

رئیس - آقای منتصر الملک بضمون ذیل قرائت نمودند

دولت مکلف است در ظرف پنج سال تمام مملکت را میزبانی نماید و در ضمن پنج سال هر وقت میزبانی ملکی را لازم دانند یا مالک تقاضا نماید بدون رعایت ترتیب مقدم و تأخر میزبانی خصوصی بعمل خواهد آمد و هر گاه این میزبانی بتقاضای مالک باشد باید خرج میزبانی را تادیبه نماید اگر مأمورین مالیه بعد از تقاضای مالک اقدام بمیزبانی نمایند مالک پس از تاریخ تقاضا نسبت بمقدار کسر محصول حق تخفیف خواهد داشت

رئیس - آقای منتصر الملک بضمون ذیل قرائت نمودند

دولت مکلف است در ظرف پنج سال تمام مملکت را میزبانی نماید و در ضمن پنج سال هر وقت میزبانی ملکی را لازم دانند یا مالک تقاضا نماید بدون رعایت ترتیب مقدم و تأخر میزبانی خصوصی بعمل خواهد آمد و هر گاه این میزبانی بتقاضای مالک باشد باید خرج میزبانی را تادیبه نماید اگر مأمورین مالیه بعد از تقاضای مالک اقدام بمیزبانی نمایند مالک پس از تاریخ تقاضا نسبت بمقدار کسر محصول حق تخفیف خواهد داشت

رئیس - آقای منتصر الملک بضمون ذیل قرائت نمودند

توضیح فرمائید - در لایحه می نویسد که هر پنج سال یک مرتبه باید میزبانی شود مخیر - لفظ (هر) ندارد (یک نفر از نمایندگان در ظرف پنج سال نوشته شود) حاج شیخ اسدالله - در ظرف پنج سال یکمرتبه میزبانی میشود در بین این مدت اگر یک نفر بخواهد تقاضای میزبانی خصوصی نسبت بملك خودش بنماید باید مخارجش را مالک بدهد و اگر دولت خواست میزبانی کند مخارج آن بادولت است و اگر مقصود از این ماده (یعنی آنچه آقای مخیر هم فرمودند) این است که در ظرف پنج سال اول دولت باید تمام مملکت را میزبانی کند و بعد از آن دولت در وقت تقاضای میزبانی خصوصی می کند و ممکن است در ظرف پنج سال دولت موفق انجام آن نشود و باید همانطور که در آخر ماده نوشته شده است نوشته شود دولت پس از انتضاء سه ماه در مرکز و چند ماه در ولایات شروع بمیزبانی می کند و ممکن است میزبانی یکسال تمام شود و ممکن است ده سال طول بکشد محدود کردن باین که حتماً باید در ظرف پنج سال تمام نقاط مملکت میزبانی شود اسباب اشکال است در هر حال اگر مقصود کمیسیون این است که آقای مخیر فرمودند دیگر محدود کردن آن موردی ندارد و اگر آن است که بنده از این ماده می فهمم آن وقت باید این ماده را بکلی تغییر بدهیم طوری نوشته شود که وافی بان مقصود باشد پس در هر صورت محدود کردن این مسئله بیجاست معنی ندارد و علاوه باید یک حدی برای میزبانی قرار داد که چند سال یک مرتبه میزبانی شود بنده که از این ماده چیزی نمی فهمم

اقبال السلطان - آقای حاج شیخ اسدالله تمام ماده را اشتباه کردند مقصود از این است که دولت مکلف است در ظرف سه سال تمام نقاط مملکت را میزبانی کند نه این که در هر سال میزبانی را بکلی تغییر بدهیم طوری نوشته شود که وافی بان مقصود باشد پس در هر صورت محدود کردن این مسئله بیجاست معنی ندارد و علاوه باید یک حدی برای میزبانی قرار داد که چند سال یک مرتبه میزبانی شود بنده که از این ماده چیزی نمی فهمم

اقبال السلطان - آقای حاج شیخ اسدالله تمام ماده را اشتباه کردند مقصود از این است که دولت مکلف است در ظرف سه سال تمام نقاط مملکت را میزبانی کند نه این که در هر سال میزبانی را بکلی تغییر بدهیم طوری نوشته شود که وافی بان مقصود باشد پس در هر صورت محدود کردن این مسئله بیجاست معنی ندارد و علاوه باید یک حدی برای میزبانی قرار داد که چند سال یک مرتبه میزبانی شود بنده که از این ماده چیزی نمی فهمم

اقبال السلطان - آقای حاج شیخ اسدالله تمام ماده را اشتباه کردند مقصود از این است که دولت مکلف است در ظرف سه سال تمام نقاط مملکت را میزبانی کند نه این که در هر سال میزبانی را بکلی تغییر بدهیم طوری نوشته شود که وافی بان مقصود باشد پس در هر صورت محدود کردن این مسئله بیجاست معنی ندارد و علاوه باید یک حدی برای میزبانی قرار داد که چند سال یک مرتبه میزبانی شود بنده که از این ماده چیزی نمی فهمم

اقبال السلطان - آقای حاج شیخ اسدالله تمام ماده را اشتباه کردند مقصود از این است که دولت مکلف است در ظرف سه سال تمام نقاط مملکت را میزبانی کند نه این که در هر سال میزبانی را بکلی تغییر بدهیم طوری نوشته شود که وافی بان مقصود باشد پس در هر صورت محدود کردن این مسئله بیجاست معنی ندارد و علاوه باید یک حدی برای میزبانی قرار داد که چند سال یک مرتبه میزبانی شود بنده که از این ماده چیزی نمی فهمم

اقبال السلطان - آقای حاج شیخ اسدالله تمام ماده را اشتباه کردند مقصود از این است که دولت مکلف است در ظرف سه سال تمام نقاط مملکت را میزبانی کند نه این که در هر سال میزبانی را بکلی تغییر بدهیم طوری نوشته شود که وافی بان مقصود باشد پس در هر صورت محدود کردن این مسئله بیجاست معنی ندارد و علاوه باید یک حدی برای میزبانی قرار داد که چند سال یک مرتبه میزبانی شود بنده که از این ماده چیزی نمی فهمم

اقبال السلطان - آقای حاج شیخ اسدالله تمام ماده را اشتباه کردند مقصود از این است که دولت مکلف است در ظرف سه سال تمام نقاط مملکت را میزبانی کند نه این که در هر سال میزبانی را بکلی تغییر بدهیم طوری نوشته شود که وافی بان مقصود باشد پس در هر صورت محدود کردن این مسئله بیجاست معنی ندارد و علاوه باید یک حدی برای میزبانی قرار داد که چند سال یک مرتبه میزبانی شود بنده که از این ماده چیزی نمی فهمم

اقبال السلطان - آقای حاج شیخ اسدالله تمام ماده را اشتباه کردند مقصود از این است که دولت مکلف است در ظرف سه سال تمام نقاط مملکت را میزبانی کند نه این که در هر سال میزبانی را بکلی تغییر بدهیم طوری نوشته شود که وافی بان مقصود باشد پس در هر صورت محدود کردن این مسئله بیجاست معنی ندارد و علاوه باید یک حدی برای میزبانی قرار داد که چند سال یک مرتبه میزبانی شود بنده که از این ماده چیزی نمی فهمم

اقبال السلطان - آقای حاج شیخ اسدالله تمام ماده را اشتباه کردند مقصود از این است که دولت مکلف است در ظرف سه سال تمام نقاط مملکت را میزبانی کند نه این که در هر سال میزبانی را بکلی تغییر بدهیم طوری نوشته شود که وافی بان مقصود باشد پس در هر صورت محدود کردن این مسئله بیجاست معنی ندارد و علاوه باید یک حدی برای میزبانی قرار داد که چند سال یک مرتبه میزبانی شود بنده که از این ماده چیزی نمی فهمم

دو تواما پیش بینی شده بود کمیسیون قوانین مالیه معلوم می شود ترتیب اظهار نامه را صلاح ندانسته و فقط میزبانی را پیشنهاد کرده است در صورتی که اگر این دو شکل تواما بشود عملاً بهتر است بنده تصور می کنم همیشه میزبانی اوضاع اقتصادی ملک را معین می کند و با اظهاریه مالک این مطالب معین می شود ولی میزبانی علمی وسایل او در ایران بوده است و چهار هفت هشت سال طول کشیده و ملبوتها خرج نمودند اما تا میزبانی شده باز بعد از چهار هفت هشت سال در موقع میزبانی اگر مطابقت داشته است فقط در قسمت مساحی و نقشه برداری بوده است

ولی در قسمت مالیه و درجه بندی و غیره مطابقت نداشته است اما میزبانی سطحی که وزارت مالیه پیشنهاد کرده و کمیسیون قبول نموده است که در ظرف پنج سال تمام نقاط ایران میزبانی بشود این مسئله از پنج سال بیشتر طول خواهد کشید بلکه ده سال هم بیشتر میشود و آن مطابقت ابتدائی هم از بین می رود بنابراین اگر ترتیبی که دولت پیشنهاد کرده است وزارت مالیه اظهارنامه مالک و میزبانی را تواما اجرا نمایند

بعقیده من بهتر است چون میزبانی باره از همان اظهارنامه مالک است منتهی وقتی میزبانی را اجرا می کنند باید اشخاص با علم و دانش باشند و وقتی برای میزبانی یک دهی می روند زمین آشکار است و چیز پنهانی ندارد آب معلوم است خاک معلوم است و البته میزبانی می بینند از جهت تقشیر می کنند لابد اهل خبره و بصیرت هم در آنجا هستند از آنجا تقشیر می کنند و یک تقشیر هم از هم سایه های محل می کنند که تخم کاری آن چند است هایدی آن چند است صیفی آن چند است شتوی آن چند است اینها وظیفه میزبانی است چون از دولت حقوق می گیرند و موظف است این تکالیف را بعمل بیاورد ولی گمان می کنم اگر مسئله اظهارنامه را هم ضمیمه کنیم اسباب اشکال برای مالکین و مأمورین خواهد شد

رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - هم در این ماده هم در ماده بعد بطور مطلق نوشته شده است که باید مالک مخارج میزبانی را بپردازد ولی هیچ اشاره نکرده است این مخارج تاچه میزان است ممکن است بگویند در نظام نامه های داخلی نوشته می شود ولی عقیده بنده این است که اگر ممکن باشد با موافقت آقای وزیر مالیه فرسخ فرسخ یا بلوک بلوک یا مزرعه مزرعه مخارج را معین کند که فردا بین اهالی و میزبانی اسباب اختلاف نشود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقای آقا سید یعقوب - بنده موافق و مذاکرات را هم کافی می دانم رئیس - بعد از این که فرمایش فرمودید

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

سلطان العلماء - با ماده موافقم رئیس - فرمائید سلطان العلماء - آقای سالار معظم در ضمن فرمایشاتشان فرمودند که قانون ثبت اسناد مجلس آمده و ممکن است صورتی از اجاره نامه ها هر ساله بوزارت مالیه بفرستند بنده عرض می کنم شاید تصور فرموده اند که اغلب مالکین مثل خود آقایان املاک زیادی دارند و اجاره می دهند و اجاره خطها می دریافت می کنند و خبر این طور نیست در اغلب ولایات رعایائی هستند که خودشان مختصر ملکی دارند و در آن رعیت میکنند و ابداً اجاره نمی دهد این جواب فرمایش ایشان اما در موضوع سؤال از مالک این را بنده در کمیسیون مذاکره کردم و مذاکرات زیادی در اطراف این قضیه بعمل آمد و بالاخره دیدند اگر این امر را کمیسیون تصویب کند و بهمان ترتیبی که دولت پیشنهاد کرده میزبانی شود آنوقت مأمورینی که باطراف میروند اسباب زحمت مالکین را فراهم می آورند

فرضاً هم مالک بدینت راست گفت آن میز راستگو که بصره مالک شهادت بدهد کجا است؟ آقا این طرف را تصور فرموده اند ولی آن طرف را تصور فرموده اند این بود که کمیسیون قوانین مالیه به میزبانی عمومی معتقد شد من هم باید اشخاص با علم و دانش باشند و وقتی برای میزبانی یک دهی می روند زمین آشکار است و چیز پنهانی ندارد آب معلوم است خاک معلوم است و البته میزبانی می بینند از جهت تقشیر می کنند لابد اهل خبره و بصیرت هم در آنجا هستند از آنجا تقشیر می کنند و یک تقشیر هم از هم سایه های محل می کنند که تخم کاری آن چند است صیفی آن چند است شتوی آن چند است اینها وظیفه میزبانی است چون از دولت حقوق می گیرند و موظف است این تکالیف را بعمل بیاورد ولی گمان می کنم اگر مسئله اظهارنامه را هم ضمیمه کنیم اسباب اشکال برای مالکین و مأمورین خواهد شد

رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - هم در این ماده هم در ماده بعد بطور مطلق نوشته شده است که باید مالک مخارج میزبانی را بپردازد ولی هیچ اشاره نکرده است این مخارج تاچه میزان است ممکن است بگویند در نظام نامه های داخلی نوشته می شود ولی عقیده بنده این است که اگر ممکن باشد با موافقت آقای وزیر مالیه فرسخ فرسخ یا بلوک بلوک یا مزرعه مزرعه مخارج را معین کند که فردا بین اهالی و میزبانی اسباب اختلاف نشود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقای آقا سید یعقوب - بنده موافق و مذاکرات را هم کافی می دانم رئیس - بعد از این که فرمایش فرمودید

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

کافی خواهد شد آقای آقا سید یعقوب - بنده هر چه توجه کردم مخالفت آقایان را نسبت بان ماده نفهمیدم اولاً مخالفت آقای سالار معظم و یک نفر دیگری ده می گویند چرا نوشته شده است در ظرف پنج سال تمام مملکت باید میزبانی شود مسلم است یک چیزی را که نوشته اند در ظرف پنج سال باید تمام شود اگر در ظرف پنج سال تمام نشود این قانون را قانونیت نمی افند می نویسد دولت مکلف است در عرض پنج سال میزبانی کند دولت باید در این مدت تعقیب کند و مجلس هم باید در اجرای آن نظارت داشته باشد و اگر موانعی پیدا شد که میزبانی در ظرف پنج سال تمام نشود این قانون را قانونیت نمی افند و از اهمیت هم نمی افند پس نسبت باین مسئله هیچ اشکالی وارد نیست اما راجع فریبی است ما قانون را نسبت بدولت طوری معین می کنیم که بتواند آن را بواقع اجرا بگذارد دولت مطابق این قانون مکلف است در عرض پنج سال میزبانی را در تمام مملکت اجرا کند حالا طریق میزبانی را بهر نحوی که دولت می خواهد معین می کند و هیچکس نمی تواند نسبت باین قانون تغلفی بنماید مثلاً فلان ایل از میزبانی خارج شد دولت باید جداً تعقیب کند تا اینکه قانون را اجرا نماید و مجلس شورای ملی هم باید نظارت داشته باشد که این قانون بموقع اجرا گذارده شود حالا اگر خیلی دلتان می سوزد که فلان فقیر فلان مالیات زیادی راندهد باید بگذرد امکان ساهی باشد که مالیات خود را بدهد

رئیس - مذاکرات را آقایان کافی می دانند؟ (جمعی گفتند کافی است)

رئیس - پیشنهادها قرائت می شود (چهار فقره پیشنهاد بضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم هر مالکی تقاضای میزبانی را نمود مخارج میزبانی تصویب خواهد شد و بعد مالک و دولت بالنصامه خواهد بود

(سید فاضل کاشانی)

بنده پیشنهاد می نمایم که مطابق لایحه پیشنهادی دولت بترتیب اظهاریه مالک و میزبانی هر دو تواما مقرر گردد که مالکین هایدات خود را اظهار و در روزنامجات و مراکز بلوک ولایات اعلام گردیده بعد هم برود هر سال يك قسمت از ولایات تقشیر و میزبانی شود و هر گاه عدم صحت اظهاریه مالک معلوم گردد جریمه شوند علاوه اداره ثبت اسناد که با قانون جدید ظن غالب بر این است تمام معاملات املاک و اجاره نامه ها ثبت خواهد شد يك صورت برای اداره مالیات مستقیم بفرستند و

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقای آقا سید یعقوب - بنده موافق و مذاکرات را هم کافی می دانم رئیس - بعد از این که فرمایش فرمودید

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

بند پیشهاد می‌کنم از ماده دهم لفظ (در ظرف پنجسال) حذف شود (مدرس)

رئیس - ماده یازدهم قرائت می‌شود (بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده یازدهم - در موقع میزبانی باید افلا دوهفته قبل از وقت بمالکین اخطار شود که خود را نماینده آنها حضور بهم رسانند هرگاه بعد از اخطار حاضر نشوند حق حضور آنها ساقط بوده میزبان اقدام بمیزبانی خواهند کرد

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

حائریزاده - بنده در کلیه طرز میزبانی این لایحه مخالف بودم و دیدم فصل هلیجده ندارد که عرض کنم تمام املاک هم که مثل املاک اطراف تهران نیست که یک نفر مالک یک قریه باشد که مالکین آن تقاضای میزبانی بنمایند در حدود یک فغانی که دو سنک آب دارد متعلق بیانصد نفر خورده مالک است و هر کدام یکساعت یا کمتر یا بیشتر از آن آب را می‌برند و بقریه من این ترتیب میزبانی یک در دوسوهرج و مرجی تولید می‌کند و بهتر از این پیشهادی آقای مصدق السلطنه است و گمان نمی‌کنم بآن ترتیب بقاصله ده سال نشود تمام ایران را میزبانی کرد اگر اجازه بدهید بنده می‌خوانم فصل دوم در طریقه میزبانی:

ماده پنجم - وزارت مالیه بوسیله میزبانی عمومی مالیاتهای مقرر فوق را بر قرار و اخذ خواهد کرد و میزبانی عمومی بکمتر از یک بلوک اطلاق نمی‌شود

ماده ششم - میزبانی عمومی بوسیله اخطار نامه‌هایی بعمل خواهد آمد که وزارت مالیه در طی آنها بسؤال و تحقیقاتی راجع به عواید و چگونگی املاک و بدستبازی مأمورین خود منتشری نماید و مالکین ملزم و مکلفند که بآنها صحت و اعتبار جواب هر استوایی را بنویسند

ماده هفتم - هر مالکی عواید خود را کمتر از آنچه هست صورت بدهد بعد از ثبوت اضافه بر بدهی مسلم مالیاتی بادی سه برابر عشر آنچه را کم قلمداد کرده است همه سه ساله تا مدت پنجسال دادنی خواهد بود

این یک مجازاتی است که معین کرده‌اند که مالک دروغ‌نگوید و زودهم انجام گیرد و در سرش هم کترات تا اینکه یک عده میزبانی شوند و آیا صحیح العمل باشد یا نباشند معلوم است بلوک یا قریه که یک

مالك متعددی داشته باشد طرف ملاحظه واقع میشود و آن دهات و قرائن که مالکین جزء داشته باشد آنها حقوقشان یا بمال میشود و من این چندماده را خوب نمیدانم و پیشهاد آقای مصدق السلطنه را بهتر می‌دانم

اقبال السلطان - آقای سالار معظم در ماده قبل همین اخطار را کردند و آن ترتیبی را که مصدق السلطنه پیشنهاد کرده بود بهتر می‌دانستند و در این ماده هم آقای حائریزاده همین عقیده آقای سالار معظم را تکرار میکنند همین موادی را که جناب عالی قرائت کردید ماده قبلیش نوشته شده است که اخطار نامه از مالک گرفته شود و در اخطار نامه مالک عایدات خود را شرح بدهد در ماده بعدش هم شرح داده است که اگر دولت آن اخطار نامه مالک را کم دیدم میزبانی معین میکنند که بروند باز دید کنند و اگر دیدند مالک کمتر از آن میزبانی که آن ملک عایدات دارد در اخطار نامه خود معین کرده اولاً جری می‌کنند دیدم اخطار نامه که از طرف مالک داده میشود در اغلب آنها گفتگو خواهد بود و هر روز و راپورتها و شکایاتی خواهد رسید که فلان مالک عایدات ملک خود را کم پیشنهاد کرده آن وقت دولت همه روزها مجبور است میزبانی بفرستد که ببیند کم پیشنهاد کرده است یا خیر؟ ولی در این قانون نظر این است که این زحمتها در کار نباشد و از اول میزبانی برود و تحقیقات کند و عایدات را بسنجد بعلاوه این ترتیبی که کمسیون داده مخالفت ندارد با اینکه اخطار نامه هم از مالک بگیرند با این حال هم ممکن است میزبان که رفتند ابتداء از مالک يك اخطار نامه بگیرند و عایدات خود را در آنجا بدهد و اجاره نامه و سایر اسناد خود را ارائه بدهد صورت ضبط خریدن را ارائه بدهد آنوقت اگر مأمورین مالیه متقاعد نشوند از دهات همسایه و اشخاصی که در آن حول و حوش هستند سؤال می‌کنند وقتی که آنها تصدیق کردند اخطار نامه مالک را قبول می‌کنند و میزبانی را ختم میکنند در هر صورت این ترتیب منافاتی با اخطار نامه هم ندارد

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - این ترتیبی که نوشته اند قبل از وقت بمالکین اخطار نمود و فرجه را فقط دو هفته قرار داده اند بنده اولاً عقیده دارم جمله ( ) و قائم مقام) بعد از لفظ مالکین اضافه و مزید خود چون ممکن است مالکی در یزد ملک داشته باشد و خودش در تهران باشد و این عبارت آن مقصود را نمیرساند تا بنا بعد از لفظ اخطار شود جمله ( رسید رسمی گرفته شود ) باید ضمیمه شود اگر چه ممکن است بفرمایند در نظام نامه نوشته میشود ولی خوب است

در اینجا قید شود چون ممکن است بکوتی طوری اخبار بکنند که مالک خردار نشود و بکلی مقصر شود و این است که بنده این دو قسم را تقاضا میکنم آقای مخبر موافقت بفرمایند و مزید بشود

رئیس - آقای کازرانی بلی

رئیس - آقای سالار معظم هم به چنین

سالار معظم - بلی

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد چه طور؟

حاج میرزا علی محمد - بنده موافقم

رئیس - بفرمائید

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - بنده لازم است اولاً ترتیب میزبانی را که قرارداد اند در ضمن شور در مواد عرض کنم که آقایان مطلع شوند و رفع شبهه بشود بطور نیست که اخطار به موقوف کرد طرف این یازده روز نتوانند حضور

اولاً این میزبانی از مرکز شروع می‌شود و چند قسمت میزبانی هستند که از هر طرفی با طرف ملک میروند که در طرف مدت پنج سال میزبانی تمام بشود ولی آن ترتیبی که در لایحه پیش نوشته شده بود اخطار به می‌فرستادند و در مواقعی که اختلافی بین مالک و دولت حاصل میشد میزبانی فرستاده می‌شد که بروند باز دید کنند اگر دولت آن باز دید را پذیرفت که هیچ والا باز اختلافات باقی بود و با آن ترتیب باید در تمام مملکت در هر شهری يك دسته میز باهد و يك عده یزادی تقریباً یا نصف جمعیت میز لازم داشته باشیم تا در تمام شهرها باختلافات رسیدگی شود و معین

بالاخره نتیجه میزبانی را اخطار به معین نمی‌کرد و همان میزبان معین می‌کردند به همین ملاحظه این طریقه خیلی از طریقه اول سهلتر است و اختلافات هم کمتر است و فقط در يك موقع بطوری که آقایان هم صحبت می‌کردند اختلاف حاصل می‌شود و آن موقعی است که دولت لازم می‌داند میزبانی يك ملكی را زودتر بکند یا این که صاحب ملكی بخواهد میزبانی ملكش را زودتر بکند آنهم ترتیبش در ماده قبل ذکر شده و باید با آقایان عرض کنم مدت دو هفته را معین کرده‌اند برای این است که مالک مطلع شود که در طرف این دو هفته میزبانی خواهد شد و این که آقایان می‌فرمایند خورده مالکین زیادند و میزبانی ملك آنها باین ترتیب اسباب اشکال می‌شود بنده عرض می‌کنم هیچ اشکالی ندارد عایدات سه ساله این دهات را معین می‌کنند و حد متوسط را قرار می‌دهند که تا مدت دهسال از آن قرار مالیات بپردازد و هیچ اخطار به لازم ندارد و اگر ما می‌خواستیم

اظهار به را قبول کنیم بمراتب سخت تر از میزبانی بود

رئیس - آقای کازرانی (اجازه)

آقای میرزا علی کازرانی - آن چه که بنده را در مقابل این قانون امپوار می‌کند این است که یقین دارم عملی نیست والا بنده می‌بینم این قانون تمام بر ضرر دولت است و عایدی دولت را از بین میبرد و از طرف دیگر يك اختلافات و اشکالاتی برای خورده مالکین می‌بینم ولی نظر به اطمینان اولی که دارم دیگر در این باب عرض نمی‌کنم ولی چیزی که هست می‌بینم آن رعایتی را که باید از مالکین شده باشد در این ماده قدری رعایت نشده است اگر چه تمام این مواد بضرر دولت تمام شده است ولی احتمال کمی هست که این ماده بضرر مالک باشد و آن این است که نوشته شده است اگر تا یازده روز مالک برای میزبانی حاضر نشد خود میزبان اقدام بمیزبانی خواهند کرد و حال آن که شاید مالکین يك عذر موجهی داشته باشند که در طرف این یازده روز نتوانند حضور بهم رسانند بنابراین باید قید شود که با نداشتن عذر موجه اگر در طرف یازده روز مالک حاضر نشده میزبان خودشان اقدام بمیزبانی خواهند کرد

رئیس - مذاکرات کافی است؟ (جمعی گفتند کافی است)

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود (شش فقره پیشنهاد بعضیون ذیل قرائت شد)

۱ - این بنده پیشنهاد می‌کنم که ماده ۱۱ این قسم نوشته شود: در موقع میزبانی باید افلا يك ماه قبل از وقت بمالکین اخطار شود

۲ - بنده پیشنهاد می‌کنم در ماده یازدهم قانون میزبانی این دو جمله مزید شود: ۱ - بعد از کلمه (بمالکین) مزید شود (یا قائم مقام آنها)

۲ - بعد از اخطار شود مزید شود (و رسید رسمی بگیرند) (کیخسرو)

۳ - بنده پیشنهاد می‌کنم که در ماده یازدهم این طور اصلاح شود که جای دو هفته يك ماه نوشته شود بیکم اخطار لفظ (کتبی) اضافه شود با گرفتن امضاء از مالکین یا نماینده آنها و در قرائت خورده مالک اخطار کتبی بنمایند آنها بشود

۴ - در ماده یازدهم بنده پیشنهاد می‌کنم بجای دو هفته سه هفته نوشته شود که مجالی برای مالکین بود باشد

۵ - بنده پیشنهاد می‌کنم در ماده یازدهم نوشته شود عوض دو هفته (یکماه قبل ازالی آخر (بمقبول دوسوی)

۶ - بنده پیشنهاد می‌کنم در ماده ۱۱ در عوض دو هفته نوشته شود (دوماه) و بعلاوه جمله ذیل (حق حضور آنها ساقط

بوده) حذف شود (محمد علی مافی)

رئیس - پیشنهادات ارجاع می‌شود بکمسیون - ماده ۱۲ قرائت می‌شود (شرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱۲ - میزبانی عمومی بکمتر از يك بلوک یا اغنام واحشام يك ایل اطلاق نمی‌شود و پس از ختم میزبانی نتیجه آن در همان بلوک یا ایل بموقع اجرا عهده دار می‌شود

اعتبار میزبانی نسبت باراضی از تاریخ اجرای میزبانی ده سال است و پس از انقضای این مدت باراده دولت با تقاضای مالک ممکن است تجدید میزبانی بعمل آید

از اغنام واحشام هر سه سال یکمرتبه شماره خواهد شد

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - در این ماده اولاً عقیده بنده این است که در عوض (باراضی - بهرمحل خاص) نوشته شود تا نایباً اینکه نوشته اند پس از انقضای این مدت باراده دولت با تقاضای مالک ممکن است تجدید میزبانی بعمل آید این را بنده لازم نمی‌دانم چون قرار شده ده سال يك مرتبه میزبانی شود و طبناً باید بعد از ده سال تجدید میزبانی شود دیگر این قسمت چه لزومی دارد در آن قسمت اغنام واحشام که نوشته هر سه سال يك مرتبه میزبانی خواهد شد بنده نمی‌دانم چه صورتی پیدا خواهد کرد چون ممکن است گله و روم کسی را که امسال میزبانی می‌کنند سال دیگر از بین برود و چه باید بکنند آیا باید در ظرف این سه سال که هنوز تجدید میزبانی نشده این مالیات را باید بدهد؟

چنانچه این بدعت هنوز در ایران مرسوم است و فعلاً شخصی که در پنجاه سال قبل یکمده بزومیش داشته است مخصوصاً بلوک کرمان که بنده اطلاع دارم هنوز باسم گوشتند از ورثه او مالیات می‌گیرند در صورتیکه شاید ورثه هم خیلی تغییرات پیدا کرده‌اند و هیچ هم مالک گوشتند نیستند و عقیده بنده هم این است که در موضوع اغنام واحشام این طور قرار بدهند که سالی يك دهنه میزبانی شود و الا غیر از این ممکن نیست تصور می‌کنم این مسئله هم بضرر دولت وهم بضرر مالکین اغنام واحشام باشد

اقبال السلطان - میزبانی عمومی که در اینجا نوشته شده است فقط توصیف میزبانی عمومی است والا هر وقت هر عملی را که میزبانی کردند همان وقتی که میزبانی تمام شد مالیاتش از قرار همان میزبانی دریافت می‌شود

و اینکه فرمودند دهسال را معین بکنند و بعد از دهسال باز هم میزبانی شود نمی‌دانم نظریه ایشان چیست اگر بعد از دهسال دولت و مالک موافق با آن میزبانی سابق باشند و دولت هم بداند که در این مدت ده

سال تغییراتی حاصل نشده است چه ضرری است که با اداره مالیه بزنند و مجدداً میزبانی کنند و راجع بکوسفندم که اشاره فرمودند تا يك اندازه حق باجناب عالی است ولی در ماده دیگر اشاره شده که اگر آفت پیدا شد با اداره مالیه رجوع کنند و بآنها تخفیف داده شود

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - چون قانون باید طوری واضح باشد که همه مردم از آن استفاده کنند راجع بلفظ (هر گاه) که در ماده دهم نوشته شده بود بنده از آقای مخبر سؤال کردم ایشان جواب دادند منحصر به آن دهاتی است که کمتر مالیات دارد یا هیچ مالیات ندارد

حالا در این جامی نویسد میزبانی عمومی بکمتر از يك بلوک یا اغنام واحشام يك ایل اطلاق نمی‌شود بنده استدعا دارم این را توضیح بفرمایند چون توضیحاتی که ایشان در ماده دهم دادند با آنچه در این جامی نویسد منافات دارد پس خوب است صریحاً توضیح بدهند تا همه ملتفت شوند

اقبال السلطان - مقصود این است که يك و هکسه یاد و ده هکسه را میزبانی کنند نمیشود گفت میزبانی عمومی ولی وقتی يك بلوک را میزبانی نمایند آن وقت میزبانی عمومی خواهد بود

حاج میرزا عبدالوهاب - این که توضیح نیست

وزیر مالیه - مقصود از میزبانی عمومی این نیست که تمام مملکت را مساحت نمایند و وقتی تمام مملکت بموجب این قانون میزبانی شد و بعد لول این قانون رفتار شد آن وقت بگویند میزبانی عمومی شده یا این که هر دهی را میزبانی کردند بگویند میزبانی عمومی شده و از آن ده مالیات بگیرند اما يك حد وسطی را گرفتیم و قرار گذاشتیم هر بلوک را میزبانی کردند مطابق این قانون عایداتش را معین کنند و از همان قرار مالیات گرفته شود آن وقت ببلوک دیگر میروند و همین طور بشهرها و ولایات این برای این است که در این مدت هم گرفتار بودیم و در هر جا که میزبانی می‌شد وقتی از آنها مطالبه مالیات می‌کردند جواب می‌دادند هر وقت میزبانی تمام مملکت تمام شد ما هم از آن قرار مالیات می‌دهیم برای این مسئله در این جا این طور ذکر شد که معاموم باشد بعد از تمام میزبانی يك بلوک مالیات دریافت می‌شود و الا اگر بخواهیم منتظر باشیم تا موقعی که تمام مملکت را میزبانی کنند و آن وقت مالیات بگیرند هیچ وقت نتیجه مطلوبه بدست نخواهد آمد

باین جهت اینطور نوشته شده و فرض از بلوک این مسئله است

رئیس - مذاکرات در ماده دوازدهم کافی است؟

اینجا ذکر شده که مالک بوزارت مالیه اظهار می‌کند و از طرف وزارت مالیه میزبانی قانونی می‌شود و باو تخفیف م دهند ولی این ماده راجع بخرابی است که باراضی وارد می‌شود از قبیل سد الماء و غیره که تمام معصومان از بین می‌روند در مورد آفت جزئی تمام از بین نمی‌رود و ماده دیگری هست که میزان آفت و میزان عایدی مالک را معین می‌کند و بعد از میزبانی تخفیف داده می‌شود علی‌هذا این ماده بنظر بنده جامع است و لازم نیست چیزی به آن اضافه شود

رئیس - مذاکرات در ماده سیزدهم کافی است یا نه؟ (جمعی گفتند کافی است)

رئیس - يك فقره پیشنهاد رسیده است قرائت می‌شود (بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می‌نمایم بعد از سر الماء افزوده شود (و همچنین در موقع ناخوشی عمومی اغنام واحشام - حاج میرزا رضی) آقا سید فاضل - بنده می‌خواستم سؤال کنم کسد الماء... .

رئیس - حالا دیگر نمی‌شود اظهاری کرد

آقا سید فاضل هیچکس معنی آن را نفهمیده است (بعضی گفتند فهمیده‌ایم)

وزیر مالیه - سد بمعنی بستن و ماه هم بمعنی آب است و سد الماء بسته شدن و بند آمدن آب است و هیچ اشکالی هم ندارد و اگر اجازه بفرمائید آقای صدیق حضرت را هم بسمت معاونت وزارت مالیه معرفی میکنم

رئیس - آقایان موافقت چند دقیقه تنفس داده می‌شود؟ (جمعی گفتند بلی)

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - ماده چهاردهم قرائت می‌شود (بتفصیل قرائت شد)

ماده چهاردهم - ترتیب میزبانی باید طوری باشد که میزان مالیات هریالت و ولایات و بلوک و قریه حتی الامکان بجزه معین شود

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - این جامی نویسد ترتیب میزبانی باید طوری باشد که میزان مالیات هریالت و بجزه معین شود و بنده با کلمه حتی الامکان مخالفم زیرا معنی ندارد که مالیات يك مملکتی یا سالها میزبانی شود آنوقت می‌نویسند حتی الامکان بجزه معین شود اگر دولت

نمی تواند میزان هایدات هر محل را معین کند پس چرا ممیزی میکند ؟ بنا بر این بنده پیشنهاد می کنم جمله حتی الامکان حذف شود

( بعضی از نمایندگان - صحیح است )

اقبال السلطان - با حذف حتی الامکان چندین مغالطی نیست ولی در اغلب نقاط مالکین جزء خیلی زیاد و یک دهکده بین پنجاه شصت مالک تقسیم می شود و تعیین صورت جزء قدری مشکل است از این جهت در این ماده قید حتی الامکان شده

رئیس - آقای آقا سید یعقوب مغالطه ؟

آقا سید یعقوب - بلی

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - آقای معبر در جواب آقای ارباب کبیسرو فرمودند کمیسیون این طور معتقد است بنده عرض می کنم خوب است کمیسیون اعتقاد خود را تغییر بدهد زیرا در این دوره صورت جزء جمع بکنی از وزارت مالیه و اداره مالیات رفته است مأمور مالیه را که برای تقش می فرستند می گوید صورت جزء جمع نداریم بنا بر این باید در این ماده قید کرد صورت جزء معین شود که وقتی وزراء می خواهند هایدات مالک را ارائه بدهند بقول آقای شیخ - الاسلام صورت عظیم البته نشان ندهند و همانطور که مجلس مخارج را بجزه رای می دهد باید هایدات هم بجز همین حدود هایدات هم بجزه معین نشود مگر این که در ممیزی وقت شود وقتی که صورت جزء هایدات ملک معین شود آن وقت معلوم میشود که بودجه ما ابتدا کسر ندارد بلکه زیادتی هم دارد اینها برای این است که عنوان جزء جمع را از بین برده اند نه جزء معین در کار است نه مسئولی این است که بنده خیلی لازم می دانم این قید بشود و از ضرورت ملکیت یکی این است که صورت هایدات بجزه معین شود

اقبال السلطان - آقای آقا سید یعقوب گویا اشتباه کرده اند در ابالات و ولایات حتی دهات مطابق مالیاتی که می گیرند صورت جزء جمع هست و در مرکز نیز آن صورت هم موجود است و از روی آن مالیات گرفته می شود و مخصوصاً در این جا هم قید شده که ترتیب ممیزین باید طوری باشد که میزان مالیات هر ابالات و ولایت و بلوک و قریه حتی الامکان بجزه معین شود و این که بنده حتی الامکان را اضافه کردم برای آن دهاتی است که عده مالکین زیاد است و تعیین هر یک از آنها اشکال دارد لذا حتی الامکان گذارده شد حالا آقایان پیشنهاد میکنند ممکن است حذف شود

( جمعی گفتند مذاکرات کافی است )

رئیس - پیشنهاد آقای ارباب کبیسرو قرائت می شود

( بتفصیل ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد می کنم از ماده چهاردهم قانون ممیزی مالیات جمله ( حتی الامکان ) حذف شود

رئیس - ماده سیزدهم ( بشرح ذیل خوانده شد )

ماده سیزدهم - در صورت عدم رضایت مالک یا دولت از نتیجه ممیزی هر یک حق دارند تا مدت ۳ ماه پس از ختم ممیزی تجدید آنرا بخواهند اگر نتیجه ممیزی ثانوی با ممیزی اول مطابق شود مخارج بر عهده تقاضا کننده بوده نتیجه ممیزی ثانوی قطعی است

رئیس - آقای ارباب کبیسرو ( اجازه )

ارباب کبیسرو - در ماده دوم بنده یک نظر ریاست داشتم که موقش گذشت این جا هم نظر همان است و این که نوشته شده اگر از طرف مالک تقاضا شود مخارج ممیزی را مالک باید بدهد متأسفانه بنده این را بعالم دولت مضمی دانم زیرا این عبارت که این جا نوشته شده است اگر نتیجه ممیزی ثانوی با ممیزی اول مطابق شود مخارج بر عهده تقاضا کننده خواهد بود بدیهی است تقاضا کننده هر قدر ممکن باید بوسائلی که برایش فراهم می شود سعی خواهد کرد که مطابق نشود اگر چه تفاوت هم خیلی جزئی باشد و برای این که گفته شود مخارج بر عهده اوست و سائلی بکار خواهد برد که ضرر متوجه دولت بشود مثل این که در خیلی چیزهای دیگر گذر گذشته این جا داشته ایم دیده ایم مثلاً گفته ایم باید فلان کمیانی یک مفتش از طرف دولت داشته باشد و خرج او را کمیانی بدهد متأسفانه آن مفتش نوکر کمیانی شده است و هیچ بر منفعت دولت تمام نشده است این قسمت هم بمنفعت دولت تمام نخواهد شد و چون نظر بنده بر منفعت دولت است عرض می کنم خوب است این که نوشته شده مخارج بر عهده مالک است از هر دو ماده حذف شود مسئله دیگر این است که در این جامی گوید ( در صورت عدم رضایت مالک یا دولت از نتیجه ممیزی هر یک حق دارند در ظرف سه ماه تجدید ممیزی را بخواهند ) این هم خیلی فریب است که اگر دولت هم بخواهد تجدید کند باز مخارج ممیزی بر عهده مالک است . . . .

( بعضی از نمایندگان بر عهده مالک نیست )

ارباب کبیسرو - بلی اشتباه کردم در موقع ممیزی ثانوی مخارج به عهده مالک است .

قسمت دیگر که بنده در نظر دارم این است که می گوید هر یک تا مدت سه ماه حق دارند تجدید ممیزی را بخواهند بنده نمی دانم این چه صورتی پیدا می کند اگر چه چای یک مرتبه این تقاضا را بکنند آیا دولت دچار معذور نخواهد شد ؟ عقیده بنده این است که در این خصوص کمیسیون یک نظری

بکند و رفع این مشکل را بنماید دولت دچار زحمت نشود

اقبال السلطان - بنده تصور می کردم در موضوع این ماده هیچ صحبتی نخواهد شد ولی مهذا آقای ارباب اعتراضاتی فرمودند مثلاً می فرمایند تقاضا کننده خرج را ندهد آن وقت ملاحظه می فرمائید اگر از تقاضا کننده مخارج نخواهند ممکن است همیشه ولو این که برای اذیت مأمورین دولت هم باشد تقاضای تجدید ممیزی بکنند اما اگر مخارج ممیزی را بدهند این تقاضا کمتر خواهد شد اشکال دیگرشان هم این است که ممکن است همه یک مرتبه تقاضای تجدید ممیزی بنمایند

بنده عرض می کنم این اشکال در ممیزی اول هم هست و ممکن است جمع کثیری یک مرتبه تقاضای ممیزی بکنند ولی البته در ممیزی ثانوی کمتر تقاضا خواهد شد

زیرا شاید عده خیلی کمی از ممیزی اول ناراضی باشند ولی در مرتبه اول باید تمام دهات را ممیزی بکنند و بطوری که سابق عرض کردم مأمورین دولت در فکر این هستند آن دهاتی را که مالیاتشان کمتر است اول ممیزی بکنند و عده زیادی خواهند بود که مالیاتشان سنگین است و تقاضای ممیزی خواهند نمود این است که در ماده قبل که قرائت شد می گوید اگر مالک تقاضا کند که ممیزی را زودتر ممیزی کنند باید خرج ممیزی را بدهد والا با اختیار هیئت ممیزین است که در هر دهکده که میل دارند شروع بممیزی بکنند تا ممیزی تمام بشود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب ( اجازه )

آقا سید یعقوب - بنده تصور نمی کنم لازم باشد خیار برای دولت قرار بدهیم در این جا می نویسد در صورت عدم رضایت مالک یا دولت از نتیجه ممیزی هر یک حق دارند تا مدت ۳ ماه پس از ختم ممیزی تجدید آنرا بخواهند اگر نتیجه ممیزی ثانوی با ممیزی اول مطابق شود مخارج بر عهده تقاضا کننده بوده نتیجه ممیزی ثانوی قطعی است در صورتی که اختیار کامل با دولت است از کمی حق تجدید را می خواهد دولت هیئت را معین می کند بر روند مطابق این قانون ممیزی کنند و این قانون حتی - الاجراء است و باید اجرا شود زیرا بنده در کمیسیون هراپیش هشتم یکی می نویسد فلانجا ممیزی بشود دیگری می نویسد که اگر من ممیزی کنم بر ضرر دولت میشود این حرف قریبی است بعد از آنکه قانون نوشته شد و رعایت عدالت در آن شد و از روی قانون ممیزی شد دیگر چطور میتوان

گفت دولت حقدار تجدید ممیزی را بلی اگر مالک ببیند در این ممیزی یک فرض شده ضرری با او متوجه شد استیناف دارد اما بنده نمی دانم نظر شماست این عبارت که ( دولت حق دارد ) می گوید این حق را می دهد ؟ باید ملاحظه کرد این قانون ممیزی بشود و بعد هر کس را می شود بشود اگر مطابق این قانون است نشد باید دوم مرتبه ممیزی بشود اقبال السلطان - اگر این قید در مطابق قانون وقتی که ممیزی یک مرتبه شد دیگر حق ندارد در آنجا تجدید کند ولی برای این که نسبت بمالک نشده باشد باو حق داده اند بتوانند تجدید ممیزی بنمایند و از آن طرف می فرماید که همین که ممیزی شروع شد ایالات و ولایات شکایات زیادی برز و مایه و مجلس و فرد فرد نمایندگان خود شد کدره بزی فلان دهکده ممیزی را بر چه حال مالک را کرده اند و عایدات او را منفر آورد کرده اند و ضرر دولت است من از این ماده این است که وقتی این رسید دولت حق داشته باشد ممیزی تجدید کند

رئیس - مذاکرات کافی است ( بعضی گفتند - کافی است )

رئیس - ماده شانزدهم ( بشرح آتی قرائت شد )

ماده شانزدهم - ممیزی بوسیله مرکب از پنج نفر بعمل می آید پیشنهاد مرکب است از یک نفر رئیس و دو نفر مهندس و دو نفر خبیره محلی که با حضور مالک یا نماینده او ممیزی خواهند نمود

صورت تجدید ممیزی هر گاه تقاضا طرف مالک باشد دونفر از مالک برین مزبور اضافه خواهد شد

رئیس - آقای ارباب کبیسرو ( اجازه )

ارباب کبیسرو - عقیده بنده این است برای رفع زحمت دولت و مالک بشود موقع تجدید نظر ثانوی بمالک اختیار بدهد در انتخاب دونفر خبیره محلی نظر داشته باشد یا این که اگر می خواهند از طرف دولت پنج نفر باشد آن دو نفری را که در ممیزی ثانوی معین کرده اند از طرف مالک معین شود از اول با اختیار مالک بگذارند در موقع ممیزی اول هیئت ممیزی هفت باشد و باب شکایات را هم بر مالک بگذارند که اسباب زحمت و محتاج بممیزی نباشد

رئیس - آقای سالار معظم مغالطه

سالار معظم - بلی مغالطه

رئیس - آقای حاج میرزا علی کبیسرو چطور ؟

حاج میرزا علی محمد - موافقم

رئیس - بفرمائید

حاج میرزا علی محمد - اینکه آقای ارباب می فرمایند این دو نفر باید اختیار مالک باشد البته متوجه این استیناف دارید اما بنده نمی دانم نظر شماست این عبارت که ( دولت حق دارد ) می گوید این حق را می دهد ؟ باید ملاحظه کرد این قانون ممیزی بشود و بعد هر کس را می شود بشود اگر مطابق این قانون است نشد باید دوم مرتبه ممیزی بشود اقبال السلطان - اگر این قید در مطابق قانون وقتی که ممیزی یک مرتبه شد دیگر حق ندارد در آنجا تجدید کند ولی برای این که نسبت بمالک نشده باشد باو حق داده اند بتوانند تجدید ممیزی بنمایند و از آن طرف می فرماید که همین که ممیزی شروع شد ایالات و ولایات شکایات زیادی برز و مایه و مجلس و فرد فرد نمایندگان خود شد کدره بزی فلان دهکده ممیزی را بر چه حال مالک را کرده اند و عایدات او را منفر آورد کرده اند و ضرر دولت است من از این ماده این است که وقتی این رسید دولت حق داشته باشد ممیزی تجدید کند

رئیس - مذاکرات کافی است ( بعضی گفتند - کافی است )

رئیس - ماده شانزدهم ( بشرح آتی قرائت شد )

ماده شانزدهم - ممیزی بوسیله مرکب از پنج نفر بعمل می آید پیشنهاد مرکب است از یک نفر رئیس و دو نفر مهندس و دو نفر خبیره محلی که با حضور مالک یا نماینده او ممیزی خواهند نمود

صورت تجدید ممیزی هر گاه تقاضا طرف مالک باشد دونفر از مالک برین مزبور اضافه خواهد شد

رئیس - آقای ارباب کبیسرو ( اجازه )

ارباب کبیسرو - عقیده بنده این است برای رفع زحمت دولت و مالک بشود موقع تجدید نظر ثانوی بمالک اختیار بدهد در انتخاب دونفر خبیره محلی نظر داشته باشد یا این که اگر می خواهند از طرف دولت پنج نفر باشد آن دو نفری را که در ممیزی ثانوی معین کرده اند از طرف مالک معین شود از اول با اختیار مالک بگذارند در موقع ممیزی اول هیئت ممیزی هفت باشد و باب شکایات را هم بر مالک بگذارند که اسباب زحمت و محتاج بممیزی نباشد

رئیس - آقای سالار معظم مغالطه

سالار معظم - بلی مغالطه

رئیس - آقای حاج میرزا علی کبیسرو چطور ؟

حاج میرزا علی محمد - موافقم

ارباب کبیسرو - در این قسمت که نوشته شده است ( هر محلی که مطابق مقررات این قانون ممیزی شده و نتیجه آن بموقع اجرا گذارده شود ) بنده تعجب می کنم زیرا مگر ممکن است ممیزی شود ولی بموقع اجرا گذارده نشود ؟ و همین عبارتی که نوشته شده است ( هر محلی که ممیزی شد ) کفایت می کند و جمله بموقع اجراء گذارده شود لازم نیست زیرا این قسمت یک اختیار وسیعی بدولت می دهد مثل این که هر جا را میل ندارد بموقع اجرا بگذارد نگذارد !! و اگر مقصود این باشد که شاید از طرف دولت یا از طرف مالک تقاضای تجدید ممیزی بشود و این قسمت راجع بآن مطالب است لازم است واضحتر بنویسند که بآن قسمت مربوط باشد نه این که این قانون را در محلی که بنظر دولت می رسد و صلاح بداند بموقع اجراء بگذارد و اگر صلاح ندانست بموقع اجرا نگذارد و در قسمت دیگر هم کس مسئله موقوف شدن مالیات سر باز گیری را نوشته اند بنده نمی دانم در مقابل این مالیات که موقوف می شود چه صورتی برقرار شده است زیرا مقترب این قانون می گذرد و شروع به ممیزی می کنند و هنوز قانونی برای سر باز گیری نگذشته است این است که سؤال می کنم از برای این مسئله چه فکری کرده اند ؟

اقبال السلطان - قانون سر باز گیری بتصویب مجلس مقدس رسیده و همان قانون را بموقع اجرا خواهند گذارد

رئیس - آقای کازرانی ( اجازه )

آقا میرزا علی کازرانی - عرض بنده در این قسمت است که می گویند و هر گونه مالیات دیگری که جدا گانه بتصویب مجلس شورای ملی نرسیده باشد مهر اسم و رسم معاف خواهد بود این همچو نشان می دهد که اگر ممیزی نشده باشد این مالیات هائی که بتصویب مجلس نرسیده قابل اخذ است در صورتی که مالیات به رسم و رسم که باشد اگر بتصویب مجلس شورای ملی نرسیده باشد اهم از این که ممیزی بکنند یا نکنند قابل اجرا نیست بنده نمی دانم در این عبارت چه در نظر گرفته اند

اقبال السلطان - بنده تعجب می کنم که باقی بود توضیح هم شما مغالطه می کنید !!

آقا میرزا علی کازرانی - ماشاء الله

حظ کردم و ان شاء الله چه قدر منطقی بود !!

رئیس - آقای سلطان العلماء ( اجازه )

جمعی گفتند مذاکرات کافی است

سلطان العلماء - فعلا عرض می ندارم

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی ( اجازه )

حاج میرزا علی محمد - اگر آقایان مذاکرات را کافی می دانند بنده عرضی ندارم

رئیس - مذاکرات کافی است یا خیر ؟

( جمعی گفتند کافی است )

رئیس - پیشنهاد قرائت می شود ( بشرح ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد می کنم ماده هفدهم به ترتیب ذیل نوشته شود

هر محل و موردی که مطابق مقررات این قانون ممیزی شد بموقع اجراء گذارده می شود و از مالیات سر شمار و سر بازی و خانواری و یادارانه و سایر مالیات های مستقیم و همچنین هر گونه مالیات دیگر که جدا گانه بتصویب مجلس شورای ملی نرسیده باشد بهر اسم و رسم معاف خواهد بود ( مدرس )

بنده پیشنهاد می کنم از ماده هفدهم قانون ممیزی مالیات این جمله حذف ( و نتیجه آن بموقع اجرا گذارده شود ) ( ارباب کبیسرو )

رئیس - بقیه مذاکرات بجلسه دیگر موکول می شود جلسه آینده فردا سه ساعت و نیم قبل از ظهر و دستور اول لایحه راجع بکنتراست معلمین مدرسه حقوق

یک نفر از نمایندگان - هنوز از کمیسیون نگذشته

رئیس - اگر ایرادی دارید بعد بفرمائید تا بنیالایحه تقاضای وجه برای ساختمان گمرک در دوزاب ثالثاً لایحه ۷۵ کمیسیون بودجه راجع بچند فقره حقوق تقاعدی آقای حاج شیخ اسدالله ( اجازه )

حاج شیخ اسدالله - راجع به کنتراست معلمین مدرسه حقوق گمان میکنم تا راپرت کمیسیون بودجه داده نشود تصور نمی کنم موقمی برای مذاکره باشد زیرا فقط کمیسیون خارجه راجع بملیت راپورت داده و باید کمیسیون بودجه را راجع بحقوق و شرایطشان یک نظریاتی اتعاذ کند ولی هنوز در کمیسیون بودجه این کار خانم پیدا نکرد و گمان نمی کنم از طرف کمیسیون راپورت داده شده باشد

رئیس - بسیار خوب و فقره دیگر جزء دستوری می شود . آقای ممتاز السلطنه ( اجازه )

مهمتمد السلطنه - بنده تقاضا می کنم لایحه مستمریات جزو دستور شود

( بعضی گفتند صحیح است )

رئیس - لایحه مستمریات هم جزء دستور می شود . آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی ( اجازه )

حاج میرزا علی محمد - هنوز کتابچه مستمریات طبع و توزیع نشده که ما بتوانیم از روی بصیرت در آن لایحه مذاکره کنیم سابقاً هم بنده تقاضا کرده بودم کتابچه مستمریات که فعلاً موجود است طبع و توزیع بشود و فعلاً بنده گمان نمیکنم تقاضای آقایان مورد داشته باشد

رئیس - آقای ارباب کبیسرو ( اجازه )

ارباب کبیسرو - عرض بنده هم راجع بمستمریات بود و این که آقای حاج میرزا علی محمد می فرمایند طبع و توزیع شود بنده تصور می کنم مقصود کمیسیون بودجه این بوده است که یک اصلی اتعاذ شود زیرا طبع اقلام مستمریات خرجش زیاد است و هیچ لزومی ندارد

رئیس - آقای نصرت الدوله ( اجازه )

نصرت الدوله - لازم است این جا یک توضیحی داده شود که مورد شبهه واقع نشود اصلاً کتابچه مستمریات جدیدی نیست که طبع و توزیع بشود کتابچه مستمریات مقطوعات قوی ذیل است که چاپ هم شده همه جا هست

رئیس - رای می گیریم که جزو دستور بشود و آن آقایان که تصویب می کنند جزو دستور بشود قیام فرمایند ( اغلب قیام نمودند )

رئیس - جزو دستور شد ( مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد ) مؤتمن الملک

جلسه ۱۴۲

صورت مشروح مجلس یوم چهارشنبه پنجم صفر ۱۳۴۱ مطابق چهارم میزان ۱۳۰۱

( مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید )

صورت مجلس یوم سه شنبه سوم میزان را آقای امیر ناصر قرائت نمودند

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی ( اجازه )

حاج میرزا علی محمد - در جلسه گذشته آقای ارباب کبیسرو دو اعتراض فرمودند یکی آنکه آن دونفر خبیره محلی که جزو هیئت ممیزه هستند در دفعه اول آنها را مالک انتخاب کند و همچنین راجع بقسمت دوم یعنی در موقع تجدید ممیزی و بنده راجع بقسمت اول عرض کردم اگر بنا باشد آن دونفر را مالک انتخاب کند آن وقت باید در هر قریه دونفر رضایت مالک انتخاب شود و این مسئله محلی نیست راجع